

دانشکده علوم انسانی

گروه حقوق

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

تحلیل فقهی مجازات اعدام تعزیری

نگارنده: عادل علیپور

استاد راهنما: دکتر محمدجعفر حبیبزاده

استاد مشاور: دکتر رحیم نوبهار

تعمیرت و اصلاحات در کار علمی بزرگ
تعمیرت در کار

۱۳۸۸/۶/۱۶


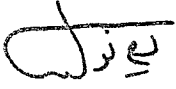

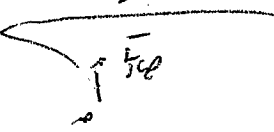
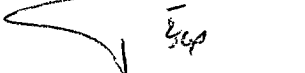
زمستان ۱۳۸۷

۱۱۶۵۲۷

به نام خدا

تاییدیه اعضای هیات داوران در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه کارشناسی ارشد آقای عادل علیپور تحت عنوان « تحلیل فقهی مجازات اعدام تعزیری » را از نظر فرم و محتوا بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کند.

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
۱- استاد راهنما	دکتر محمد جعفر حبیب زاده	دانشیار	
۲- استاد مشاور	دکتر رحیم نوبهار	استادیار	
۳- استاد ناظر	دکتر محسن عینی	استادیار	
۴- استاد ناظر	دکتر محمود صادقی	استادیار	
۵- نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر محمود صادقی	استادیار	

دستورالعمل حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی

دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیات علمی، دانشجویان، دانش آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی که با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد ذیل را رعایت نمایند:

ماده ۱- حقوق مادی و معنوی پایان‌نامه‌ها / رساله‌های مصوب دانشگاه متعلق به دانشگاه است و هرگونه بهره‌برداری از آن باید با ذکر نام دانشگاه و رعایت آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مصوب دانشگاه باشد.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه / رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و استاد راهنما مسئول مکاتبات مقاله باشند.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه / رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب حاصل از نتایج پایان‌نامه / رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با مجوز کتبی صادره از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه و بر اساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام می‌شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه / رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این دستورالعمل در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۵ در شورای پژوهشی دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب لازم الاجرا است و هرگونه تخلف از مفاد این دستورالعمل، از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری خواهد بود.

نام و نام خانوادگی عادل علی‌سور

تاریخ و امضا

۸۵۳۰۲۶



بسمه تعالی

آیین‌نامه چاپ پایان‌نامه (رساله)‌های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان‌نامه (رساله)‌های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش‌آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می‌شوند:

ماده ۱ در صورت اقدام به چاپ پایان‌نامه (رساله)ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲ در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:
«کتاب حاضر، حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد/رساله دکتری نگارنده در رشته
که در سال در دانشکده دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب
آقای دکتر، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر، و مشاوره سرکار
خانم/جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳ به منظور جبران بخشی از هزینه‌های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می‌تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴ در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵ دانشجو تعهد و قبول می‌کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می‌تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می‌دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶ اینجانب عادل عیسوی دانشجوی رشته حقوق مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می‌شوم.

نام و نام خانوادگی: عادل عیسوی

تاریخ و امضا:

۸ شهریور ۱۳۸۶

تقدیرم به

بدن،

ماور

و همه‌ی کسانی که بخشی از ساختمان روح مرا معنای گروه‌اند

تشکر و قدردانی

عمیق‌ترین قدردانی‌ها و صمیمانه‌ترین سپاسگزاری‌ها به محضر استاد فاضل و ارجمند جناب آقای دکتر محمدجعفر حبیبزاده که در طول این دوره‌ی تحصیلی، تشخیص صواب از ناصواب با راهنمایی‌های بی‌دریغ ایشان بر من آسان‌تر می‌گشت.

بر خود فرض می‌دانم که از اساتید دانشمند، آقایان دکتر محسن عینی نجف‌آبادی و دکتر محمود صادقی که در سخت‌ترین شرایط قبول زحمت فرموده و داوری این پایان‌نامه را پذیرا شدند نیز کمال قدردانی و تشکر را به جای آورم.

چکیده

همانطور که از عنوان تحقیق پیش رو بر می‌آید، قصد ما بررسی و تحلیل فقهی مجازات اعدام تعزیری است. در واقع، صرف نظر از واقعیات تقنینی و بدون توجه به این موضوع که آیا چنین مجازاتی در قوانین موضوعه‌ی کشور مورد پذیرش قرار گرفته است یا خیر، صرفاً به تحلیل موضوع جواز یا عدم جواز شرعی و فقهی آن می‌پردازیم و در پایان، با نیم‌نگاهی به واقعیت حاکم بر قوانین موضوعه‌ی تعزیری، پیشنهادات و انتقادات خود را نسبت به رویه‌ی قانونگذاری کیفری در خصوص تعزیرات و به ویژه استفاده از مجازات اعدام در این گونه از مجازات‌ها بیان خواهیم کرد. بدین منظور، ابتدا مبانی و مختصات دو مفهوم «تعزیر» و «اعدام» را تشریح کرده و سپس به بیان اقوال فقها راجع به موضوع اصلی تحقیق همت خواهیم گمارد. در این مرحله، پس از نقد و جرح عقاید معتقدین به انحصار تعزیر در تازیانه، ادله‌ی رد مجازات مرگ در تعزیرات را بیان می‌کنیم. هرچند ادله‌ی ابرازی، از ابعاد و مناظر مختلف به موضوع می‌پردازند، اما همه‌ی این ابعاد و روش‌ها مورد تأیید فقه اسلامی (امامیه) بوده و بدین دلیل روش ما را باید فقهی دانست و اتخاذ عنوان «تحلیل فقهی» برای این تحقیق، صحیح به نظر می‌رسد. در نهایت و پس از بررسی جوانب مسئله و برقراری ارتباط میان حلقه‌های مرتبط با بحث اصلی، به این نتیجه رسیدیم که کیفر مرگ را نمی‌توان با دستاویز فقهی و با استناد و اتکاء به منابع استنباط احکام اسلامی (در فقه امامیه) داخل در مفهوم تعزیر کرد و چنانچه قانونگذار ایران به انجام چنین عملی راغب باشد، ناچار است روش دیگری را گزین کرده و یا لاقلاً به تفکر و تفقه بیشتر در حیطة‌ی مفاهیم برآمده از فقه کیفری رضا دهد تا شاهد قانونگذاری منسجم‌تری در قلمرو تعزیرات باشیم.

کلید واژه: اعدام، فقه کیفری، تعزیر.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: مقدمه، کلیات و طرح تحقیق.....	۱.....
۱- بیان مسأله.....	۲.....
۲- پیشینه‌ی تحقیق:.....	۵.....
۳- اهداف تحقیق:.....	۶.....
۴- سوالات تحقیق:.....	۷.....
۵- فرضیه ها/ پیش فرض ها:.....	۷.....
۶- مواد و روش انجام تحقیق:.....	۷.....
۷- مشکلات و موانع تحقیق:.....	۸.....
 فصل دوم: مفاهیم مقدماتی.....	 ۱۰.....
۱-۲ تعریف مجازات اعدام.....	۱۱.....
۲-۲ تاریخچه‌ی اعدام.....	۱۲.....
۳-۳ دیدگاه‌های مختلف نسبت به اجرای مجازات اعدام.....	۱۳.....
۱-۳-۲ مخالفین اعدام.....	۱۴.....
۲-۳-۲ موافقین اعدام.....	۱۵.....
۴-۲ معنای لغوی و اصطلاحی تعزیر.....	۱۶.....
۱-۴-۲ معنای لغوی تعزیر.....	۱۶.....
۲-۴-۲ معنای اصطلاحی تعزیر.....	۱۸.....
۵-۲ وجوه افتراق میان حدود و تعزیرات.....	۲۱.....
۶-۲ قواعد حاکم بر تعزیرات.....	۲۴.....
۱-۶-۲ التعزیر لكل عمل محرم.....	۲۴.....
۲-۶-۲ التعزیر بما یراه الحاکم.....	۲۸.....
۳-۶-۲ التعزیر دون الحد.....	۳۰.....

۳۳	فصل سوم: بررسی دیدگاه‌های مختلف در مورد اعدام به عنوان تعزیر
۳۵	۱-۳ نظریه‌ی تعمیم تعزیر به مجازات اعدام
۳۵	۱-۱-۳ رعایت مصلحت فرد و جامعه
۳۶	۲-۱-۳ قیام در مقابل افساد فیالارض
۴۰	۳-۱-۳ نهی از منکر
۴۲	۲-۳ نظریه‌ی عدم تعمیم تعزیر به مجازات اعدام
۴۳	۱-۲-۳ نظریه‌ی انحصار تعزیر به تازیانه
۴۳	۱-۱-۲-۳ استناد به اطلاق روایات
۴۴	۲-۱-۲-۳ استناد به عمومیت واژه‌ی حد در روایات
۴۵	۳-۱-۲-۳ استناد به قاعده‌ی سلطنت
۴۶	۴-۱-۲-۳ استناد به اصل استصحاب
۴۷	۵-۱-۲-۳ استناد به معنای لغوی تعزیر
۴۹	۳-۳ نظریه‌ی بینابین
۵۲	۱-۳-۳ فلسفه‌ی وضع تعزیر
۵۳	۱-۱-۳-۳ شیوه‌های پی بردن به اهداف مجازات‌ها
۵۴	۲-۱-۳-۳ تصریح فقها در این باب
۵۸	۲-۳-۳ معنای لغوی واژه‌ی «دون»
۶۰	۳-۳-۳ حرمت دماء در فقه اسلامی
۶۳	۴-۳-۳ مقتضیات زمانی و مکانی
۶۵	۱-۴-۳-۳ شرایط اجتماعی- فرهنگی عصر جاهلیت
۶۷	۲-۴-۳-۳ واکنش اسلام نسبت به شرایط موجود
۷۰	۵-۳-۳ بررسی فرض «شدید بودن قصاص و حدود»
۷۰	۱-۵-۳-۳ قصاص
۷۴	۲-۵-۳-۳ حدود
۸۰	۶-۳-۳ تحلیل مسئله با استمداد از اصول فقه
۸۴	نتیجه‌گیری و پیشنهاد
۹۲	فهرست منابع

پیوست
چکیده انگلیسی

فصل اول:

مقدمه، کلیات و طرح تحقیق

۱- بیان مسأله

تعزیر به عنوان قسمی از مجازات‌های شرعی، پس از انقلاب اسلامی در مجموعه قوانین کیفری ایران عرصه‌ی وسیعی برای ظهور و بروز پیدا کرده است و ماهیت و مصادیق آن همواره محل بحث و مناقشه میان علما و حقوقدانان بوده است. تلاش در جهت سازگارسازی این مفهوم فقهی با اصول و قواعد حقوق عرفی و چاره‌اندیشی‌ها در جهت رفع مشکلات فقهی آن که بیشتر ناشی از اختلاف آرای فقها در این خصوص می‌باشد، تا به امروز ادامه دارد. با نگاهی گذرا به مجموعه قوانین کیفری که پس از انقلاب اسلامی به تصویب قوه‌ی قانونگذاری رسیده‌اند، می‌توان به وضوح به اهمیت تردیدناپذیر و نقش غیرقابل انکار فقه کیفری در شکل‌دهی و تنظیم قوانین کیفری ایران پی‌برد. قانونگذار عادی در مقام امتثال امر قانون اساسی (اصول ۴، ۷۲، ۹۱ و ۹۴ ق.ا) نیروی زیادی را صرف اسلامی کردن قوانین، تبعیت و عدم تخالف و تضاد قوانین موضوعه با مقررات فقه اسلامی کرده است. همواره و در طول دوره‌ی سی‌ساله‌ی قانونگذاری اسلامی در ایران، تلقی فقها از مفاهیم و مصادیق مختلف در حیطه‌ی حقوق کیفری مورد توجه و تبعیت قرار گرفته است. سلطه‌ی فقه کیفری منبعت از شرع انور اسلام بر قوانین موضوعه تا بدانجا بوده است که حتی در مواردی که فقه سنتی، در خصوص موضوعی ساکت بوده و یا پاسخگوی حوایج عصر حاضر نبوده است نیز برای تدوین قوانین بی‌سابقه در شرع باید دستاویز فقهی‌ای که موجه غیبت فقه از صحنه‌ی قانونگذاری - بود جستجو می‌شد. نمونه‌ی بارز چنین ارجاعاتی به فقه را می‌توان در مواد قانونی متعددی که

جرایم بسیاری را بدون داشتن کوچکترین وجه شباهتی با جرم محاربه، «در حکم» آن دانسته‌اند یافت.^۱ در مواردی نیز که مقنن، سیاست جنایی سرکوبگرانه را تنها راه علاج می‌داند و معتقد به کارآمدی مجازات اعدام در خصوص برخی جرایم خاص است، علاوه بر بکار بردن حربه‌ی فوق‌الذکر، عمل خویش را نه به نتایج حاصل از مطالعات دامنه‌دار در زمینه‌ی جرم‌شناسی و سیاست جنایی، که به قواعد فقهی مشهوری چون قاعده‌ی «التعزیر بما یراه الحاکم» مستند می‌کنند. دلیل چنین اقداماتی را باید در عدم درک صحیح و شناخت کافی و مبتنی بر مقتضیات زمانی و مکانی فقه کیفری و ناتوانی در استخراج اصول کلی فقه کیفری از میان نصوص متنوع دانست. وقتی که اهداف و اغراض آشکار و پنهان فقه سنتی به درستی مورد کشف و فهم قرار نگیرند، نمی‌توان امیدوار بود که تمامی جنبه‌های ضروری امر قانون‌نویسی بر اساس موازین اسلامی مراعات گردد و هیچ تخطی و تخلفی از آن واقع نگردد.

تحقیق حاضر در پی بررسی اقوال و اعتقادات فقه‌های عظام (امامیه) در خصوص مجازات اعدام تعزیری خواهد بود. از ابتدای تجربه‌ی سی ساله‌ی قانونگذاری اسلامی تا کنون، این موضوع که آیا مجازات اعدام می‌تواند مصداقی از مجازات‌های تعزیری باشد یا خیر مورد بحث و مناقشه میان حقوقدانان و نیز فقها بوده است. با توجه به تردیدهای موجود در خصوص جواز اعمال مجازات اعدام در تعزیرات در میان حقوقدانان و از سوی دیگر با توجه به تصریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر موافقت و تطابق کلیه قوانین و مقررات موضوعه‌ی کشور با شرع انور، بررسی دقیق و موشکافانه‌ی مبحث مربوط به تعزیرات در کتاب‌های و مجموعه‌های فقه اسلامی و به‌ویژه گنجینه‌های مکتوب فقه‌امامیه، ضروری به نظر می‌رسد. به نظر می‌رسد که فقه اسلامی با سرمشق قرار دادن آیات شریفه‌ای مانند آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی مائده و یا آیه‌ی ۹۳ سوره‌ی نساء که اهمیت فراوان حیات انسانی به عنوان یک ودیعه‌ی الهی را به آشکارترین شکل ممکن مورد تأکید قرار داده‌اند،

^۱ - از آنجمله می‌توان به مواد ۵۲۶، ۵۰۸، ۵۰۴، ۵۰۸، ۴۹۸، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۶، تبصره ۱ ماده ۶۵۷، ۶۳۹، ۶۵۴، ق.م.ا و مواد ۵ و ۶ قانون تشدید مجازات مرتکبین و گرانفروشان، و بسیاری از جرایم مندرج در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح اشاره کرد.

درصد تضییق دایره‌ی مجازات‌های سالب حیات و حفظ دماء افراد ملت برآمده است. بی‌جهت نیست که در محدوده‌ی مجازات‌های حدی که خود در میان فقها و حقوقدانان شدیدترین مجازات‌ها محسوب می‌شوند، اعمال مجازات‌های سالب حیات جز در موارد محدودی تجویز نشده است. هنگامی که در دسته‌ای از مجازات‌های اسلامی (حدود) که در میان خاص و عام به شدت و حدت و عدم توجه به شخصیت مجرم و اهداف بازدارندگی و ارعابی مجازات‌ها شهره‌اند چنین رویه‌ای در پیش گرفته می‌شود، تکلیف مجازات‌های تعزیری که به اعتقاد فقهای عظام، هدف اصلی از جعل و اجرای آنها اصلاح بزهکار و ممانعت از عودت وی به ورطه‌ی معصیت، بزهکاری و انحطاط است مشخص می‌شود. بدیهی است که تجویز و اعمال کیفر مرگ در این قسم از مجازات‌ها به منزله‌ی پاک کردن صورت مسئله و نقض غرض اصلی شارع از وضع آنها (اصلاح مجرم) خواهد بود. بدین ترتیب وقتی شارع مقدس در شدیدترین و جدی‌ترین نوع جرایم، قائل به تخفیف، مسامحه و جازز نبودن اعمال کیفر مرگ در آنهاست، قانونگذار ایران که طبق اصول قانون اساسی موظف به قانون‌نویسی وفق اصول و موازین اسلامی است باید در انواع سبک‌تر مجازات‌های شرعی، چنین روشی را برگزیده و از توسیع بی‌حد و حصر و بلامنطق کیفرهای سالب حیات اجتناب ورزد، حال آنکه در برخی از قوانین موجود، شاهد تجویز این عقوبت در قبال ارتکاب جرایم تعزیری هستیم. از میان این قوانین و علاوه بر آنچه که پیش از این بدان اشاره شد،^۱ می‌توان به مواد ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۱ و ۱۸ قانون مبارزه با مواد مخدر و بند الف ماده‌ی ۱ قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص غیرمجاز از مرزهای کشور اشاره کرد. به عنوان مثال؛ بر اساس ماده‌ی ۲ قانون مبارزه با مواد مخدر، هر کس مبادرت به کشت خشخاش کند یا برای تولید مواد مخدر به کشت شاهدانه بپردازد علاوه بر امحای کشت، در بار چهارم به اعدام محکوم خواهد شد. و یا طبق ماده‌ی ۱۱ این قانون، مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر به طور مسلحانه، اعدام تعیین شده است. به موجب ماده‌ی ۱۸ همین قانون نیز هرگاه محرز شود که شخصی با انگیزه‌ی معتاد کردن دیگری به هروئین، مرفین، متادون، و دیگر

^۱- رک به پانویس صفحه ۱

مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و نیز عصاره‌ی حشیش و روغن حشیش باعث اعتیاد وی شود، بار اول به ۵ تا ۱۰ سال حبس، بار دوم به ۱۰ تا ۲۰ سال حبس و در صورت تکرار برای بار سوم به اعدام محکوم می‌شود.

در تحقیق حاضر، به دنبال کشف اراده‌ی واقعی و اعتقاد فقهای عظام (از آغاز تاریخ فقه اسلامی تا عصر حاضر و فقهای معاصر) در خصوص مجازات مرگ و سپس معیار قرار دادن این دیدگاه در مبحث مربوط به مجازات مرگ در تعزیرات و در نتیجه کشف حکم (حرمت یا اباحه) چنین اقدامی هستیم. سعی نگارنده‌ی این سطور بر آن است که در تحقیق پیش رو، تمام توان خویش را در بکارگیری روش منطقی و عقل‌پسند در بررسی و تجزیه و تحلیل موضوع تحقیق - البته تا حدی که موجد این شائبه نگردد که نسبت به روش‌های معمول در فقه و اصول اسلامی بی‌اعتناست - بکار گیرد.

۲- پیشینه‌ی تحقیق:

بسیاری از محققین و پژوهشگران حقوق کیفری ایران، تفکر، نقد و چاره‌اندیشی در خصوص آن دسته از موضوعات حقوق کیفری ایران که مستقیماً از منابع و متون فقهی به عاریت گرفته شده‌اند را مساوی و مساوق با اهانت به ساحت مقدس دین و مایه‌ی تحفیف و تحقیر شأن فقهای عظام دانسته‌اند. متأسفانه برخی از غیرمتخصصین نیز با تقدس بخشیدن به نصوص فقهی و غیرقابل جرح و تعدیل دانستن نظریات فقهی، آتش این بیم‌ها و تردیدها را شعله‌ورتر ساخته‌اند. حال آنکه، شرع انور اسلام و حتی خود فقها نیز هرگز چنین ادعایی نداشته و ندارند. بدین ترتیب - صرف نظر از سال‌های اخیر که دیوار این ترس بی‌مورد فرو ریخته و محققین، تنها به جمع‌آوری صرف نظرات فقهی اکتفاء نمی‌کنند و در چند و چون قضایا نیز وارد شده و به اظهارنظر شخصی نیز می‌پردازند - کارهای قابل توجه و پرشماری انجام نشده است. پیرامون موضوع این تحقیق نیز غیر از اظهارنظرهای پراکنده و بسیار مختصر چیز بیشتری نمی‌توان یافت. بیشتر تحقیقات موجود راجع به

مجازات اعدام نیز در بررسی عقاید و نظریات فلاسفه و اندیشمندان غربی در مورد آن و یا ارایه‌ی آمار برای نشان دادن سیر تحولات قانونگذاری در کشورهای جهان در جهت حذف و الغای این مجازات خلاصه می‌شود. اما خوشبختانه در سال‌های اخیر، برخی از پایان‌نامه‌های دانشجویی و تعداد محدودی از کتاب‌ها با پرداختن مستقیم یا غیر مستقیم به این موضوع، تا حدی به رفع این نقیصه پرداختند، لکن به نظر می‌رسد که درباره‌ی موضوعی تا این درجه از اهمیت، هنوز کار شایسته و جامعی صورت نگرفته است. از سوی دیگر، روش‌های بکار گرفته شده برای تبیین موقعیت کیفر اعدام در مجازات‌های تعزیری در این پژوهش‌های اندک نیز به طرز غیرقابل انکاری تکراری و بسیار مشابه با یکدیگر بوده‌اند؛ بدین نحو که برخی از پژوهشگران با استناد به برخی از احادیث و روایات، اعدام را قسمی از تعزیر دانسته و برخی دیگر با اتکاء به دسته-ی دیگری از احادیث، نظر متضادی ارایه کرده‌اند. تحقیق حاضر با عنایت به روش‌ها و استدلال‌های کارهای تحقیقاتی پیشین، مضافاً به استدلال‌های شخصی نگارنده در پی حل مسئله‌ی مطروح از ابعاد و زوایای دیگری است. هرچند که نگارنده به ایرادات و ضعف‌های آن اذعان داشته و به هیچ وجه مدعی کامل و بی‌عیب و نقص بودن آن نیست.

۳- اهداف تحقیق:

در این تحقیق بر آنیم که با نگاهی موشکافانه و دقیق به کتب و نصوص فقهی موجود و تلاش در جهت کشف اصول و قواعد نانوشته‌ی فقه اسلامی - که می‌تواند راهگشای قانونگذار در امر قانون- نویسی محسوب شود- به بررسی موضوع بحث انگیز «اعدام تعزیری» بپردازیم. از سوی دیگر با عنایت به مباحث نظری فقهی و حقوقی پیرامون مجازات مرگ در تعزیرات، سعی می‌شود که در ایجاد محیط گفتگو و تبادل نظر در این خصوص (با توجه به اهمیت موضوع) نقشی هرچند کوچک ایفاء نماییم.

۴- سوالات تحقیق:

این موضوع که «جایگاه مجازات اعدام در میان مجازات‌های تعزیری چگونه است؟» پرسش اصلی این تحقیق را شکل می‌دهد. در واقع آنچه ما در پی درک آن هستیم، وجود یا عدم مفهومی به نام «اعدام تعزیری» در زمره‌ی مجازات‌های فقه کیفری امامیه است.

۵- فرضیه‌ها / پیش فرض‌ها:

با توجه به آموزه‌های دین مبین اسلام و اصول و قواعد فقهی (مانند احتیاط در دماء) نباید قائل به تجویز مجازات اعدام در تعزیرات بود.

۶- مواد و روش انجام تحقیق:

تحقیق حاضر به روش توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد. بدین صورت که با بهره‌گیری از منابع موجود و در دسترس، ماهیت مفهوم فقهی تعزیر تشریح شده و نتایج حاصل از این توصیف که به نحوی با سوال و فرضیه‌ی تحقیق حاضر مرتبط باشند گزارش می‌شوند. روش مورد نظر ما برای تحلیل و تفسیر مباحث مرتبط با موضوع، مبتنی بر روش‌های مورد تأیید فقه امامیه است. لکن ممکن است که در برخی موارد و در خصوص برخی ادله‌ی ابرازی از سوی نویسندگان، این شبهه برای خواننده‌ی متخصص حاصل شود که این روش‌ها، گاه پا را از دایره‌ی مباحث فقهی بیرون نهاده و به طور کامل با روش‌های مورد تأیید و معمول فقهی همخوانی ندارند. برای رفع این شبهه، یادآوری این نکته ضروری به نظر می‌رسد که به حکم قاعده‌ی «کل ما حکم به الشرع حکم به العقل و کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» توجه و توسل به عقل انسانی و اعتماد به یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل‌های عقلی، به هیچ وجه نباید و نمی‌تواند به منزله‌ی خروج از طریق شرعی تفسیر گردد. به باور ما آنچه خروج از مسیر مقبول و شرع تفسیر می‌گردد، نه بکارگیری و اعتماد به فاهمه‌ی انسانی، که تخصیص و تقیید عقل و نشانیدن مهر بی‌اعتباری بر پیشانی آن است. در این صورت است که بر روی یکی از منابع چهارگانه‌ی فهم و استنباط احکام

شرعی (در فقه خاصه) خط بطلان کشیده شده و در نتیجه، بنیادی‌ترین حکم شرع مورد دست‌اندازی و بی‌مهری قرار گرفته است. بدین ترتیب ضرورت رجوع به آموزه‌های ناب دین مبین اسلام و توجه و اعتماد بیشتر به عقل و ادراکات عقلی به روشنی احساس می‌شود. این ادعا که دین الهی اسلام بر شالوده‌ی عقل استوار گشته است، تنها با تورق کتب روشنگر اسلامی و در رأس همه‌ی آنها قرآن مجید به آسانی قابل اثبات است. آیات متعددی چون آیات ۲۱۷، ۱۶۱، ۷۶، ۷۳، ۴۲ و ۲۶۹ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۹ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۸۴ سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۸ سوره‌ی روم، آیه‌ی ۵۱ سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۴۶ سوره‌ی سبأ و آیات پرشمار دیگری از کلام الهی (اشاره‌کننده به اهمیت تفکر و تعقل در کنه امور) مثبت این ادعا است. بدیهی است وقتی که کتاب مادر علوم، اندیشه‌ها و آموزه‌های اسلامی با چنین تأکیدی به اهمیت تفکر اشاره می‌کند، کتب متفرعه‌ی ملهم از آن نیز نمی‌توانند از این تأکید و تأثیر برکنار بمانند. و از همین جاست که دلیل پیدایش علمی با عنوان «فقه استدلالی» مکشوف، و آشکار می‌گردد که چرا یکی از منابع چهارگانه‌ی حقوق اسلامی «عقل» است. روش عقلی در همه‌ی اصول و فروع دین مبین اسلام و مذهب شریف شیعه‌ی اثنی عشری قابل اعمال و راهگشاست. نگاهی به گنجینه‌ی عظیم فقه امامیه (در حیطة‌ی فقه استدلالی) خود به تنهایی جایگاه این اعتقاد را در اذهان استوارتر می‌سازد. بدین منظور نظرات فقهای عظام پیرامون این موضوع مورد بحث و تفسیر تحلیلی قرار خواهد گرفت.

۷- مشکلات و موانع تحقیق:

از آنجا که این تحقیق به یک موضوع فقهی می‌پردازد، محدودیت‌ها و موانع خاص چنین پژوهش‌هایی دامنگیر محقق آن نیز بوده است. کم‌اهمیت تلقی کردن مبحث تعزیرات از سوی فقها (در قیاس با مبحث حدود) و پراکندگی مطالب مربوط به این مبحث در لابلای سطور کتاب‌های فقهی و عدم تنظیم و تنسيق مطالب مربوطه به نحوی که دسترسی به آنها را متعسر می‌کرد، محدودیت اصلی نگارنده محسوب می‌شده است. از سوی دیگر، رسمیت بخشیدن به مجازات مرگ در تعزیرات از سوی قانونگذار و استفاده از آن در مقررات و قوانین تعزیری بر دشواری کار می‌افزود؛

زیرا شاید به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، مباحثه برای نفی موضوعی که جنبه‌ی تقنینی به خود گرفته و از سوی مقنن در مقیاس نسبتاً وسیعی مورد پذیرش قرار گرفته است، خالی از فایده و قیام در برابر امر بدیهی جلوه کند. بدین ترتیب برای اقناع اذهان اساتید و صاحب‌نظران (برای پرداختن به این موضوع) مشکل دیگری بروز کرد. در پایان نیز نباید از محدودیت بزرگی همچون مقدس-انگاری برخی از احکام و دستورات فقهی از سوی عده‌ای، که حتی تا تقدیس اعتقادات و اقوال فقهای عظام نیز پیش رفته است و در نوع خود مانعی جدی بر سر راه پژوهش و اظهار نظر در امور حقوقی و کیفری تلقی می‌شود نیز غافل ماند.

فصل دوم:

مفاهیم مقدماتی